



مطالعه انواع ترکیبات در غزلیات بیدل دهلوی

پوهندوی دکتور شفیق الله شفقت^۱، نامزد پوهنیار صالح محمد صالح^۲

^۱دیپارتمنت زبان و ادبیات دری، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون پکتیا. پکتیا: افغانستان

^۲دیپارتمنت زبان و ادبیات دری، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون پکتیا. پکتیا: افغانستان

ایمیل آدرس: shafiqullahshafaqat620@gmail.com

خلاصه

بیان مسئله: میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی یکی از شاعران بنام و از نمایندگان شامخ مکتب هندی در سده‌های دهم و یازدهم ه.ق. به شمار می‌رود. وی در سرایش انواع مختلف شعر طبع آزمایی نموده و در غزل‌سرایی سرآمد روزگار بود. بیدل از اینکه در ترکیب‌سازی مهارت بی‌نظیر داشته‌است غزلیات خویش را از ترکیبات بدیع که ناشی از خلاقیت منحصر به فرد و جزء مختصات سبکی اوست سرشار نموده‌است.

هدف تحقیق: هدف اساسی تحقیق حاضر تثبیت جایگاه بیدل در ترکیب‌آفرینی و پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی‌ست که وی چه نوع ترکیب‌ها را در غزلیات خویش به کار برده‌است؟

روش تحقیق: در این تحقیق، کلیات بیدل محور بررسی بوده و از میان تمام غزل‌های کلیات وی صد غزل آن برگزیده شده و سپس نمونه‌های مورد نظر انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته‌است. داده‌های تحقیق به روش کتابخانه‌یی فراهم آمده و سپس اطلاعات آن به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده‌است.

یافته‌ها: در این تحقیق انواع ترکیبات صرفی، بیانی، تشبیهی و استعاری در لابه‌لای غزل‌های بیدل دریافت و مورد بررسی قرار گرفته‌است.

نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بیدل دهلوی در غزلیات خویش ترکیب‌های جدید و گوناگون صرفی، بیانی، تشبیهی و استعاری را چون خار دامن هوس، رباط کهن سرا، نفس هستی، رقص گرد باد، چاک دامن گل، پای مجنون غم، محمل ناز، ننگ وحشت، اقبال جنون، ناله‌خواییده، حسرت مستور، ساز وحدت، بخت سیاه، احرام آزادی، کلاه عرش، گلش تصویر، طاق تغافل، کوه اندوه، زنجیر جنون، عرق شرم، سنگ ملامت، نگین شهرت، دیرتاز، کعبه‌جو، زاغ پا، آینه‌گری، تحیر گلشن، تسلسل وبال، جهان رنگ و ده‌ها ترکیب‌های دیگر را به کار برده‌است.

کلمات کلیدی: بیدل دهلوی، ترکیبات صرفی، ترکیبات بیانی، سبک هندی، غزلیات بیدل

استناد: شفقت. شفیق الله، صالح. صالح محمد. (۱۴۰۴). مطالعه انواع ترکیبات در غزلیات بیدل دهلوی. *دوفصلنامه علمی-تحقیقی عینک* - خپرنیزه مجله، ۱۴۰۴، گڼه پنځمه، ۱۲۱-۱۴۵.

ناشر: پوهنتون لوگر
حق مؤلف © نویسندگان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ، وَبَعْدُ!

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی از نام آورترین شاعران پارسی گوی هند است. نیاکان بیدل از قوم برلاس یا ارلاس از ترکان چغتایی بودند که از بخارا به هندوستان مهاجرت کردند و به سپاهی گری اشتغال داشتند. پدرش میرزا عبدالخالق که مردی صوفی مشرب بود به یمن عارف نامدار، عبدالقادر جیلانی، نام پسرش را عبدالقادر گذاشت (قلیچ خانی، ۱۳۸۹: ۹). بیدل در سال ۱۰۵۴ هـ.ق تولد و در سال ۱۱۳۳ هـ.ق به عمر ۷۹ سالگی دیده از جهان فروبست و یکی از سرآیندگان سترگ و پرآوازه، عارف وارسته، فیلسوف نامدار و نویسنده عالی مقام زبان و ادبیات فارسی دری در شبه جزیره هند شمرده می شود. وی در طی حیات پر بار خویش، هم و غم خویش را در راستای ایجاد و آفرینش آثار گرانسنگ و ارزشمند منثور و منظوم ادبی و عرفانی در عرصه زبان و ادبیات فارسی دری مبذول نمود.

بیدل در عصر خویش برجسته ترین نماینده سبک هندی به شمار می رود. از ویژگی های برجسته سبکی این مکتب بسامد بالای تصویرهای پارادوکسی، مضمون آفرینی، خیال پردازی، حس آمیزی، تشخیص، ایهام، راه یابی زبان عامیانه به شعر، ایجاز و اختصار کلام، افزایش تمثیل، غرابت و ترکیب های خاص را می توان نام برد. اصولاً شعر سبک هندی شعری دیرآشناست و درک آن مستلزم آشنایی با کلیدها و قراردادهای رایج بین شاعران این سبک است. بخشی عظیمی از سروده های شاعران سبک هندی به دلیل ویژگی های خاص این سبک، پیچیده و دور از ذهن می نماید که از آن میان می توان به اشعار بیدل، به ویژه غزل های وی، اشاره نمود. سروده های شاعر، به دلیل استخدام نوع ترکیبات و بافت های بیشتر، مبهم و پیچیده است و به طبق ادعای خود بیدل آنجا که گفته است: «معنی بلند من فهم تند می خواهد/ سیر فکرم آسان نیست کوهم و کُتل دارم» فکر تیزبین می خواهد؛ دلیل آن این است که این نوع ترکیب ها غریب و نامأنوس اند و با سیستم طبیعی و محور هم نشینی زبان فارسی چندان سازگار نیست.

بیدل در سرودن غزل مقام بلندی دارد و شاید کمتر شاعری چون بیدل را بشناسیم که در این زمینه صاحب شهرت باشد. تعداد ابیات غزل های بیدل را پنجاه هزار بیت تخمین کرده اند. موضوع

غزل‌های او وسیع و متنوع است. بیدل در غزل‌های خود با استفاده از تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، پارادوکس و امثال آن، تصاویری زیبا آفریده است.

مجموعه ترکیب‌ها در شعر بیدل برای خواننده امروز شعر فارسی غریب، نامأنوس و نامفهوم است. ترکیب‌های که بیدل ساخته از نوع تجارب شاعران قبل نیست و این امر شاید مهمترین عامل غموض اشعار او باشد. عناصر زمان، محیط زندگی، آداب و رسوم و بعضی اصطلاحات صنفی عصر بیدل که در اشعارش بازتاب یافته و بدون وقوف به خصوصیات آنها معنای بیت نامکشوف می‌ماند.

در این تحقیق از میان تمام غزلیات بیدل بیش از صد غزل او از منظر چگونگی کاربرد انواع ترکیب‌های خاص مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بیدل به حیث برجسته‌ترین نماینده مکتب هندی ویژگی‌های سبکی خاص و بی‌سابقه در اشعار خویش خلق نموده و با استفاده از عناصر محیط همان روزگار ترکیب‌های تازه و بدیع را زیور کلام خویش قرار داده است. این عناصر از یک سو سروده‌های را به سوی ابهام و پیچیدگی کشانیده و از سوی دیگر تدرجه خواننده و علاقمندان شعر بیدل را به خود جلب نموده است.

مسأله تحقیق: غزلیات بیدل در کنار اینکه از مفاهیم عمیق و دشوار فلسفی و عرفانی برخوردار است از کاربرد ترکیبات بکر و نوآورانه نیز بهرمنند است. در غزلیات بیدل ترکیباتی به چشم می‌خورند که رنگ و بوی فلسفی و عرفانی داشته و از تنوع و مفاهیم پیچیده برخوردارند. تا اکنون ترکیبات به کار رفته در غزلیات بیدل به طور همه جانبه مورد واکاوی قرار نگرفته است؛ به این مبنی تحقیق حاضر در پی بررسی و تشخیص انواع ترکیبات در غزلیات بیدل است.

ضرورت و اهمیت تحقیق: شعر فارسی در گذر از سبک عراقی و رسیدن به مکتب هندی از نظر زبان و محتوا به دشواری و پیچیدگی گراییده و نسبت به سایر دوره‌های پیشین خودراه پر خم و پیچ را دنبال نمود. سبک هندی با داشتن مختصات و شرایط سنگین و با پیچیدگی، تصویرپردازی و کاربرد ترکیبات تازه، بر دشواری و دیرفهمی شعر فارسی افزود. اشعار بیدل که بارزترین نمونه شعر سبک هندی است از دشوار فوق‌العاده، ابهام و اغماض بی‌پیشنه و صفت برجسته دیرفهمی برخوردار است و این دشواری‌ها ناشی از کاربرد ترکیبات جدید است که در غزل‌های بیدل بسامد بلندی دارند. بنابراین نیاز است تا جهت گره‌گشایی مفاهیم مغلق و پی‌بردن به افکار شاعر، غزل‌های وی از زاویه‌های گوناگون به بررسی گرفته شود و نیز شرح و بررسی ترکیبات غزل‌های بیدل

برای خوانندگان در امر شناخت مختصات سبکی، زدودن گرد ابهام از رخسار غزل‌های شاعر و درک پیام‌های سودمند و مفاهیم ناپیدای سروده‌های حضرت بیدل نقشی به‌سزایی دارد. **پیشینه تحقیق:** غزلیات بیدل که از شاهکاری‌های ارزنده اوست، از گذشته‌ها بدینسو مورد تودرجه محققان و بیدل‌شناسان بوده و هر محققى بنا بر دید خویش، غزلیات وی را از منظرهای گوناگون به مطالعه گرفته‌اند. برخی از برجسته‌ترین تحقیقاتی که در این راستا صورت گرفته‌است، قرار ذیل می‌باشند:

۱. «ترکیبات خاص در غزلیات بیدل دهلوی» از مشایخی، فاطمه و دیگران (۱۳۹۷): در این مقاله محققان ترکیبات خاص را عامل غموض اشعار شاعر پنداشته و به این اساس صرف نظر از ترکیبات بیانی و تصویری، تنها به ژرف ساخت، روابط نحوی و هسته معنایی کلمات مرکب پرداخته‌اند.

۲. «نوآوری‌های تشبیه در غزلیات بیدل دهلوی» از ساجد، غزاله و دیگران (۱۳۹۹): در این تحقیق تشبیهات نوآورانه غزلیات بیدل از سوی نگارندگان مقاله به هدف رفع ابهامات و تصاویر سبک هندی به بررسی گرفته شده‌است و ویژگی‌های برجسته ساختاری اشعار بیدل توضیح و تبیین گردیده‌است.

۳. «تصویرسازی‌های بدیع در غزلیات بیدل دهلوی» از بساک، حسن (۱۴۰۱): نویسنده در این مقاله غزلیات بیدل را از منظر چگونگی کاربرد تصویرسازی و نحوه انعکاس آنها در اشعار بیدل بررسی نموده‌است.

۴. «استعاره‌ها و کنایات بدیع، دو خصیصه مهم سبکی در غزلیات بیدل» از توحیدیان، رجب و اکبری حبشی، محمد (۱۳۹۷): محققان تلاش نموده‌اند تا استعاره‌ها و کنایات بدیع و غریب را در غزلیات بیدل دریافت نموده و آنها را به‌عنوان دو مختصه مهم سبکی شعر وی معرفی بدانند.

اهداف تحقیق

هدف عمومی: تثبیت جایگاه شاعر در راستای ایجاد ترکیب‌های شعری و شیوه انتقال معنی از آن طریق

اهداف فرعی:

- بررسی انواع ترکیب‌های شعری در غزلیات بیدل؛

- بررسی چگونگی ترکیبات صرفی و بیانی؛

- رسیدن به عمق پیام‌های شاعر از راه بازگشایی رمزهای ترکیبات شعری در سروده‌های وی.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: بیدل در غزلیات خویش چه نوع ترکیبات را به کار برده است؟

پرسش‌های فرعی:

۱. ترکیبات صرفی در غزلیات بیدل کدامند؟

۲. چه نوع ترکیبات بیانی در سروده‌های شاعر مورد کاربرد بوده است؟

روش تحقیق

تحقیق که در دست است به روش توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌یی فراهم آمده است؛ به طور که محور بررسی کلیات شاعر بوده و بیش از صد غزل وی به دقت مطالعه گردیده است و پس از آن نمونه‌های شعری از میان غزلیات یادداشت‌برداری گردیده و سپس توصیف و تحلیل شده است.

مکتبی در باره سبک‌هندی و ویژگی سخن بیدل

سبک یا مکتب هندی

مکتب هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم در ادبیات فارسی دری رواج داشت و به این سبب در هند به نام مکتب هندی مسمی شده و رشد نموده است. از ویژگی‌های برجسته سبکی این مکتب بسامد بالای تصویرهای متناقض‌نما (پارادوکسی)، مضمون‌آفرینی، خیال‌پردازی و پیدا کردن مضامین بکروتازه، حس‌آمیزی، تشخیص، تجرید، ابهام، راه‌یابی زبان عامیانه به شعر، ایجاز و اختصار کلام، افزایش تمثیل، غرابت و ترکیب‌های خاص را می‌توان نام برد. سراینندگان نامی سبک هندی عبارتند از: کلیم کاشانی، عرفی شیرازی، صائب تبریزی، غنی کشمیری، طالب آملی و ابوالمعانی بیدل (عمر، ۱۳۸۷: ۲۸).

شاعران هندی‌سرا، اصل را بر مضمون‌یابی و خیال تازه و معنی بیگانه نهاده‌اند و این امر سبب شده که خلاقیت در شعر هندی بالاتر از شعر دیگر سبک‌ها باشد. تلاش برای جستن مضمون نایاب بعضاً به بروز زبان نایاب نیز می‌انجامد که شعر بیدل از آن مستثنی نیست. اصولاً شعر سبک هندی شعری دیرآشناست و درک آن مستلزم آشنایی با کلیدها و قراردادهای رایج بین شاعران این سبک است که به مرور زمان در شعر سبک هندی مکان خاصی برای خود یافته‌اند. از اینرو اگر

خواننده این شعر اگر با روابط اشیاء و ظرفیت‌های تمثیلی اسامی و کلمات و اصطلاحات خاص زبانی این سبک آشنایی نداشته باشد، از درک شعر هندی و لذت‌های معنوی ناشی از مکاشفه-های شاعران این سبک محروم می‌ماند. برای درک شعر هندی باید الفبای آنرا آموخت و رموز آنرا فرا گرفت. اگر کسی از ارتباط پنبه، مینا، آینه، زنگ، تیغ و آب، جنون و زنجیر، قمری و سرو، شرار و تیشه، حباب و دریا... و صدها نمونه دیگر آگاه نباشد از فهم اشعار این سبک بی‌بهره می‌ماند. بخشی عظیمی از اشعار شاعران سبک هندی به دلیل ویژگی‌های خاص این سبک، پیچیده و دور از ذهن می‌نماید که یکی از آنها شعر بیدل دهلوی است که اشعارش به ویژه غزلیات او که در آن مفاهیم عرفانی و فلسفی با زبان ظریف سبک هندی آمیخته شده است. در واقع بارقه‌های فلسفی - عرفانی غزلیات بیدل ره‌آورد مثنوی‌های تعلیمی اوست؛ در خور یادآوری است که بیدل در غزلیات خویش هم قصد تعلیم مستقیم و ارشاد صریح دارد. به هر حال پیچیدگی غزل شاعر، به معنی و به ابهام معنوی آن بر می‌گردد او؛ یعنی فلسفه عرفانی شاعر؛ فلسفه که بی‌خبری از رموز آن کار را برای خوانندگان عادی و ناآشنای غزل بیدل سخت دشوار می‌سازد (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۰۹).

سخن بیدل

بیدل شاعری است آشنا با عرفان اسلامی و این معنی در شعر او تجلی بارزی پیدا کرده است؛ در کنار این‌ها اندیشه‌های اجتماعی، فلسفی و اخلاقی نیز در کارش نمود دارد. این تنوع موضوع، جامعیت خاص به شعر وی بخشیده است که در عصر خودش بی‌نظیر است و در طول شعر فارسی کم‌نظیر (کاظمی، ۱۳۸۷: ۲۹). بیدل در سرودن غزل مقام بلند داشته و شاید کمتر شاعری چون بیدل را بشناسیم که در این زمینه صاحب شهرت باشد. موضوع غزل‌های او وسیع و متنوع بوده و در غزل‌های خود با استفاده از تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، پارادوکس و امثال آن تصاویری زیبایی آفریده است (قویم، ۱۴۰۰: ۴۰-۴۱). برای سنجش اصل‌های زیبایی‌شناختی شعر بیدل، به محتوای دفترهای بدیع و بیان شناخته و فهرست‌های صنایع لفظی و معنوی نمی‌توان اکتفا کرد. شعر او را بیرون از این محدوده‌ها باید یافت و شناخت (وفایی، ۱۳۸۹).

در واقع بیدل شاعری است چند بعدی و دارای ساحات مختلف وجودی به همین سبب شعرش در آفاق مختلف سیر می‌کند و تنوع شگفت‌آور دارد. این شعر همان‌گونه که حالات و معانی گوناگون دارد، در تنوع و میزان پیچیدگی نیز متنوع است و از دشوارترین تا ساده‌ترین

بیت‌ها را در آن می‌توان دید. غزل‌های شاعر از لحاظ دشواری و ابهام به چند دسته تقسیم شده‌اند:

۱. غزل‌های ساده: که برای عموم شعرخوانان آشنا با مقدمات بلاغی شعر کهن ما قابل فهم است و غزل‌های یک دست و روان‌اند و تعدادشان در دیوان بیدل کم نیست.
۲. دسته دوم، غزل‌های ست که در نظر اول دشوار به نظر می‌آید؛ ولی این دشواری ذاتی شعرها نیست؛ بلکه از ناآشنایی ما با سبک هندی به ویژه شعر بیدل برخاسته است. به‌واقع اگر کسی با شعر مکتب عراقی هم آشنایی داشته باشد، می‌تواند آن‌ها را به خوبی درک نماید.
۳. دسته سوم، شعرهای ست که بیشتر بیت‌های پراکنده در بین غزل‌هاست و نه غزل کامل؛ دریافت معنای این بیت‌ها حتی برای کسانی که با شعر بیدل مانوس‌اند، نیز دشوار خواهد بود و نیاز به تأمل و تحقیق ویژه و یا نیاز به مراجعه به بیت‌های دیگر شاعر دارد.
۴. دسته چهارم بیت‌های ست که با همه تأمل و تحقیق نیز به زحمت می‌توان به معنای دقیق آنها راه یافت و معنای واقعی کلمه مغلق و غامض بوده‌اند؛ ولی تعداد آنها اندک می‌باشد (کاظمی، ۱۳۸۷: ۱۷-۲۲).

سرانجام با این سخن «غلام‌علی خان آزاد بلگرامی» مؤلف خزانه عامره، که الحق در باب بیدل قضاوت نپکو نموده است، بسنده می‌کنیم؛ او در مورد جایگاه شاعر ما گفته است: «در اقسام نظم پایه بلند دارد و در اسباب نثر رتبه ارجمند. طبع دراکش چقدر معانی تازه به هم رسانده است» (زریر، ۱۳۹۶: ۵۰).

مفهوم لغوی و اصطلاحی ترکیب

ترکیب در لغت به معنی جمع است و آن قرار دادن اشیاء متعدد است بدان‌سان که بتوان نام واحدی بر آن اطلاق کرد. در کتاب‌های دستور زبان، ترکیب یعنی ساخت واژه مرکب دانسته شده است. کلمه مرکب واژه‌ی است که که از به هم پیوستن دو یا چند تکواژ تشکیل می‌شود؛ مانند: سپیدرو و آب‌انبار. کلمه مرکب حد اقل از دو واژه مستقل ساخته شده است که تشکیل یک واحد مستقل واژگانی را می‌دهد (مشایخی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸۰-۱۸۱). ترکیب سازی در زبان فواید بسیاری دارد نخستین حاصل ترکیب‌سازی، افزایش امکانات زبان است یعنی زبانی که تعداد واژه برای مفاهیم خاصی داشته است. اکنون ترکیب‌های بسیاری هم وجود دارند که مفاهیم دیگری

را منتقل می‌کنند. مسلماً هرچه امکانات زبان بیش‌تر باشد، انتقال مفاهیم آسان‌تر خواهد بود (جعفری، ۱۳۹۴: ۱۳۶).

بررسی انواع ترکیبات غزلیات بیدل

معنی بلند من فهم تند می‌خواهد
سیر فکرم آسان نیست کوهم و کتل دارم
(آرزو، ۱۳۸۷: ۶۹)

این کتل‌ها مانند آن سخن‌هایی است که الفاظ درشت و سنگین و نامأنوس دارد؛ مانند سخن بیدل که راه الفاظ آن خیلی هموار و مساعد بوده؛ ولی قلۀ معانی آن خیلی بلند است و حتی شاهین تیزبال باید به تندی پرواز کند تا بتواند آن کُتل را زیر بال بگیرد و خود را به آن برساند. معنای بلند بیدل محتاج دو چیز است یکی، فکر علمی و دیگری قریحه فطری؛ زیرا او شاعری است که علم و فلسفه و حس و ذوق را یک‌جا جمع کرد که این عناصر چهارگانه در فهم معنی بلند او نیز لازمی است (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۱۱۰). علی‌الخصوص بیدل در غزل که آن را با تشبیهات بکر و استعارات بدیع آراسته و در آن ابتکارها به کار برده‌است و با ایجاد صنایع ظریفه و آوردن ترکیبات جدیده رخسار معانی را جمال دیگر بخشیده از برگ گلی گلستان آفریده و از ذره‌یی جهانی پدید آورده‌است (بیدل، ۱۳۸۷: ۲). اگر کسی ترکیب‌های زیبای شعر بیدل را مورد بررسی قرار دهد اغلب دست‌اندرکاران شعر نو فارسی را مایه حیرت خواهد شد. چون تمام ترکیب‌های زیبای شعر نو امروز در دیوان بیدل دیده می‌شود (کدکنی، ۱۳۷۱: ۳۲). باید اذعان داشت که توجه و تمایل بیدل تنها به ترکیب‌بندی و یا به عبارت دیگر، تنها با الفاظ بازی نداشت، بلکه در اشعارش از مضمون‌یابی‌های دقیق و باریک و خلق معانی ارزنده و بلند در عبارات کوتاه در قالب یک بیت یا مصرعی که در بردارنده مضامین بسیار زیبا و معانی پربها باشد، بهره گرفته‌است (فقیهی، ۱۳۸۲).

نمونه‌های ترکیب‌ها در غزلیات بیدل

شاعر همان‌طوری که در آوردن معانی دست بلند داشته همواره می‌کوشید تا برای بیان معانی، الفاظ و ترکیبات جدید و مناسب را که در در شعر فارسی سابقه ندارد به کار برد. هر شاعر بر اساس شیوه ابداعی خود از زبان کار می‌گیرد و از واژه‌های ساده به ترکیب‌سازی خاص می‌پردازد. این ترکیب‌سازی به شعر مزیت خاص بخشیده و گاهی سبب پیچیدگی شعر می‌شود. در شعر بیدل به ترکیب‌های بر می‌خوریم که بسیاری از آنها قبلاً در سروده‌های دیگران به کار نرفته‌است. وقتی در

ساختار این ترکیب‌ها نظر اندازیم دیده می‌شود که شاعر به عملکردهای فراهنجاری در محور همنشینی مبادرت ورزیده‌است؛ مثلاً: صد دشت مجنون، صد کوه فرهاد، یک لب نمک، یک سطر اشک، یک جبهه نم و .. «(قویم، ۱۴۰۰: ۵۴، ۱۴). بیدل از عناصر زبان به عنوان منبع ترکیب-سازي بهره برده و ترکیب‌های بکر و بدیع توصیفی، نسبتی، تشبیهی، استعاری و... را با داشتن بار معنایی فلسفی-عرفانی و سایر مفاهیم به کار برده‌است که در ذیل از هر نوع این ترکیب‌ها مثال-های آورده شده‌است:

ترکیب‌های صرفی

چنین ترکیبات در شکل عینی خود از هم‌نشینی چندین تکواژ واژگانی تشکیل می‌شوند و بدون هیچ رابطه‌ی ظاهری و لفظی در کنار هم می‌نشینند و واژه‌های مرکبی را می‌سازند که در محور افقی زبان به صورت یک واحد معنایی عمل می‌کنند. (خدابخش و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۲) نمونه‌های از چنین ترکیبات عبارت اند از: تحیرگلشن، مردم‌غفلت، جنون‌سودای، دیرتاز، کعبه‌جو، تحیرپیشگان، کج‌سرستان، تسلسل و بال، آینه‌گری، جهان‌رنگ، پرواز ناز و غیره.

جنون‌سودای:

نشد در این درسگاه عبرت به فهم چندین رساله پیدا
جنون‌سودای که کردم ز سیر اوراق لاله پیدا
(بیدل، ۱۳۷۱: ۲۹)

آینه‌گری:

از حیرت دل بند نقاب تو گشودیم
آینه‌گری کار کمی نیست در اینجا
(همان: ۷۳)

حیرت آینه:

تو هم خاموش شو بیدل که من از یاد دیداری
به دوش حیرت آینه می‌بندم فغانها را
(همان: ۸۹)

تحیر پیشگان:

ما تحیر پیشگان را اضطراب دیگر است
پرزدن در رنگ خون شد بسمل تصویر را
(همان: ۴۶)

نامه پرواز ناز:

بسته بر بال اسیرت نامه پرواز ناز
خفته در خون شهیدت جوش گلزار بقا

(همان: ۱۶)

راست بازان و کچ سرشتان:

باکمان بیدل اطاعت لازم آمد تیر را
(همان: ۲۴)

راست بازان را ز حکم کچ سرشتان چاره نیست

دیر تاز و کعبه جو:

جنونه است مجبور تقدیر را
(همان: ۷۷)

که دیر تازیم و گه کعبه جو

خزان چهره:

گواه فتح دل دارم شکست رنگ سیما را
(همان: ۶۶)

خزان چهره بس باشد بهار آبروی مسن

حیرت نوا:

تا در درون خانه ام دارم برون در صدا
(همان: ۷۳)

حیرت نوا افسانه ام از خویش پر بیگانه ام

عبرت انجمن و شکست شیشه:

گرد شکست شیشه کنم ماهتاب را
(همان: ۱۰۵)

کو شور مستی که درین عبرت انجمن

چشم خیره بینان:

که چشم خیره بینان تنگ دید آغوش رحمت را
(همان: ۴۲)

بیا تا دی کنیم امروز فردای قیامت را

تسلسل وبال:

تسلسل وبال است تقریر را
(همان: ۷۷)

به تهدید ازین همدمان امن مخواه

جنون شهرت:

مزن به سنگ از جنون شهرت چو نام عنقا وقار خود درآ
(همان: ۳۵)

وداع آرایش نگین کن ز شرم دامن حرص چین
کن

تخیر گلشن:

تخیر گلشن است اما که دارد سیر اسرارش
خموشی بلبلی است اما که می فهمد زبانش را
(همان: ۴۳)

ترکیب‌های توصیفی و نسبتی

در ترکیب‌های توصیفی با صفت و موصوف سروکار داریم که کسر بین آنها حذف شده است و کل ساخت آنها به یک عنصر واحد تبدیل شده است. (خدابخش و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۱-۶۲) هم‌چنان در ترکیب‌های نسبتی یک جز به جز دیگر نسبت داده می‌شود؛ مانند: بنای جهان رنگ، منقار زاغ‌پا، بخت سیاه، درس جنون، ساز وحدت، عدوی ساده دل، شکست رنگ امکان، ناله خوابیده، طبع کج طینت، شعله خویی، گل آزدای، حسرت مستور و غیره....

بنای جهان رنگ و منقار زاغ‌پا:

جز خاک تیره نیست بنای جهان رنگ
طاووس سوده است به منقار زاغ‌پا
(بیدل، ۱۳۷۱: ۷۷)

ساز الفت و آهنگ عدم:

ز ساز الفت آهنگ عدم در پرده گوشم
نوا می‌رسد کز بیخود نتوان شنید اینجا
(همان: ۳۸)

ساز وحدت:

کثرت نشد محو از ساز وحدت
همچو خیالات از شخص تنها
(همان: ۶)

درس جنون:

بینوایی بین که در همرازی درس جنون
سرمه شد بخت سیاهم حلقه زنجیر را
(همان: ۲۴)

ننگ وحشت:

چو صحرا مشرب ما ننگ وحشت بر نمی‌تابد
نگهدارد خدا از تنگی چین دامن مار را
(همان: ۱۱۸)

شعله خویی:

هنگام شیب بیدل کفر است شعله خویی
محراب کبر نستان کرد قد دو تا را
(همان: ۴۹)

شکست رنگ امکان:

محیط از جنبش هر قطره صد توفان جنون دارد
شکست رنگ امکان بود اگر یکدل تپید اینجا
(همان: ۳۸)

عدوی ساده دل:

مشو با تند خویی از عدوی ساده دل ایمن
که آخر روی نرم آب خواهد کشت آتش را
(همان: ۱۱۹)

افسانه فنا:

جز پیش ما افسانه فنا را
هر کس نمی شناسد آواز آشنا را
(همان: ۴۹)

طبع کج طینت:

به می رفع کجی مشکل بود از طبع کج طینت
به زور سیل نتوان راست کردن قامت پل را
(همان: ۲۵)

ناله خوابیده:

کوه اندوهیم از سنگینی پای طلب
ناله خوابیده می دانیم بر سر تیغ را
(همان: ۵۳)

حسرت مستور:

شوق اگر بی پرده سازد حسرت مستور را
عرض یک خمیازه صحرا می کند مخمور را
(همان: ۹۱)

گل آزادگی:

در این گلشن نباید خار دامان هوس بودن
گل آزادگی رنگ دگر دارد بچین خود را
(همان: ۱۲۹)

سجده شکر جبین سایی:

همان چو سایه‌ما و سجده شکر جبین سایی
که تا آن آستان، بی زحمت پا می‌برد ما را
(همان: ۷۹)

گلشن تصویر:

طایر عیش مقیم قفس حیرانی‌ست
مگذر از گلشن تصویر که رنگ است اینجا
(همان: ۷۰)

ذوق شهادت:

بسمل مه بسکه ز ذوق شهادت می‌تپد
تیغ قاتل می‌شمارد فرصت تکبیر را
(همان: ۴۶)

ترکیب‌های تشبیهی: تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است. صورت‌های گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه مایه‌گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل در میان اشیاء کشف می‌کند و در صورت مختلف به بیان در می‌آورد. (ساجد و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۹۴) عناصر سازنده این نوع ترکیب‌ها مشبه و مشبه‌به می‌باشند که با هم پیوند داشته و شباهت میان یگدیگر را نشان می‌دهند؛ به حیث نمونه: شبستان معاصی، سرخوان هوس، ریاض دل، طومار عبادت، درسگاه عبرت، عشرت‌گاه هستی، بحر امکان، نسخه هستی، گلزار بقا و غیره...

خمنخانه تحقیق:

صافی و دردی نیست درخمنخانه تحقیق لیک
دار بالا برد شور نشه منصور را
(همان: ۹۵)

صد صبح محشر فتنه:

نفس هر دم زدن صد صبح محشر فتنه می‌خندد
هوای باغ موهوم چه افسون می‌کند ما را
(همان: ۵۱)

کوه اندوه:

کوه اندوهیم از سنگینی پای طلب
نالۀ خوابیده می‌دانیم بر سر تیغ را
(همان: ۵۳)

طاق تغافل:

همچو آه از دل مایوس به زنهار برآ
(همان: ۱۳۱)

دادرس آینه بر طاق تغافل دارد

شبستان معاصی:

همین رخت سیه محتاج صابون می کند ما را
(همان: ۵۱)

شبستان معاصی صبح رحمت آرزو دارد

امتحانگاه هوس:

گر نه ای قانع تو هم بیتاب این و آن برآ
(همان: ۲۲)

عالمی در امتحانگاه هوس تک می زند

سرخوان هوس:

چو گردد استخوان بی مغز دعوت کن سعادت را
(همان: ۴۲)

سرخوان هوس آرایش دیگر نمی-
خواهد

احرام آزادی:

به سنگ آید مگر این جام و گردد عذرخواه آنجا
(همان: ۱)

دل ز کم ظرفی طاقت نیست احرام آزادی

کیسه دریا:

ای توانگر بر نیاری حاجت سایل چرا
(همان: ۶۵)

ابر اینجا می کند از کیسه دریا کرم

آئینه اعتبار:

شکسته اند به صد موج رنگ دریا را
(همان: ۱۱۰)

سلامت آئینه اعتبار امکان نیست

درسگاه عبرت:

جنون سودای که کردم زسیر اوراق لاله پیدا
(همان: ۲۹)

نشد در این درسگاه عبرت به فهم چندین رساله

پیدا

سودای خام غفلت:

داغم از سودای خام غفلت و وهم رسا

او سپهر و من کف خاک او کجا و من کجا

(همان: ۶۹)

گلزار بقا:

بسته بر بال اسیرت نامه پرواز ناز
خفته در خون شهیدت جوش گلزار بقا
(همان: ۱۶)

خار شوق:

خار شوق از پای مجنون غمت نتوان کشید
شیر کی خواهد جدا بیند ز ناخن چنگ را
(همان: ۸۴)

عدم سرای دلم:

عدم سرای دلم کنج عزلتی دارد
که راه نیست در او وهم بال عنقا را
(همان: ۱۲۴)

وادی شوقت:

گرانی کی کند پای طلب در وادی شوقت
که جسم اینجا سبکرو حی کند تعلیم جانها را
(همان: ۷۴)

مهمانخانه گردون:

ز مهمانخانه گردون چه جویی نعمت سیری
که نقش کاسه‌ای جز تنگ چشمی نیست خوانش
(همان: ۵۷)

آئینه اشک:

در این محنت سرا آئینه اشک یتیمانم
که در بی دست و پایی مرا باید دوید اینجا
(همان: ۳۸)

مرآت معنا:

مرآت معنا ما چون سایه داشت رنگی
خورشید التفاتش از ما ز دود ما را
(همان: ۷۲)

ورق آینه:

رمز دوجهان از ورق آینه خواندیم
جز گرد تحیر رقمی نیست در اینجا
(همان: ۷۳)

سبحة الفت:

پريشان است از بی التفاتی سبحة الفت
ز دل بستن مگر جمعیت باران شود پیدا
(همان: ۱۰۳)

مقیم خانه چشم:

درین غفلت سرا گویی مقیم خانه چشم
که با خواب است یکسر رنگ الفت پاسبانش را
(همان: ۴۳)

ادبگاہ وفا:

ادبگاہ وفا آنکه بر افشان چه ننگ است این
تپیدن خاک بر سر کرد آخر بسمل ما را
(همان: ۷۲)

ترکیب‌های استعاری

استعاره یکی از مهمترین عناصر زیبایی سخن در هنر و ادبیات است که مفصل‌ترین مباحث در حوزه بیان را به خود اختصاص داده است (توحیدیان و حبشی، ۱۳۹۷: ۸۸). در ترکیب‌های استعاری مضاف و یا مضاف‌الیه در معنای مجازی و استعاری به کار برده می‌شود؛ چون: آغوش رحمت، کلاه عرش، قفس حیرانی، جیب آبله، چشم آبله، آغوش دی، کلک موج، گلوی شیشه، جنون کده، نیستی لوح عدم، رگ گل دامن، روی نرم آب و نمونه‌های دیگر...

خیال آباد یکتایی:

خیال‌آباد یکتایی قیامت عالمی دارد
که هر جا واری باید پرستیدن همین خود را
(بیدل، ۱۳۷۱: ۱۲۹)

آغوش رحمت:

بیا تا دی کنیم امروز فردای قیامت را
که چشم خیره بینان تنید آغوش رحمت را
(همان: ۴۲)

کلاه عرش:

دمی که آینه‌دار امتحان شد شوکت فخرم
کلاه عرش دیدم خاک درگاه مذلت را
(همان: ۴۲)

قفس حیرانی:

مگذر از گلشن تصویر که رنگ است اینجا
(همان: ۷۰)

طایر عیش مقیم قفس حیرانی است

معشوق تراشی:

جز شوق برهن صمی نیست در اینجا
(همان: ۷۳)

بیدل من و بیکار و معشوق تراشی

نیستی لوح عدم:

اگر خواهی نگریدی جلوه گر آینه کن ما را
(همان: ۳۲)

به غیر از نیستی لوح عدم نقشی نمی بندد

جنون کده:

هوس به طبع تو خود دوست همچو بنگ به صحرا
(همان: ۱۸)

درین جنون کده منع فضولیات نتوان کرد

محفل کبریا:

که به خلوت ادب وفا ز در برون نشدن درآ
(همان: ۸۴)

ز سروش محفل کبریا همه وقت می رسد این ندا

خورشید التفات:

خورشید التفاتش از ما ز دود ما را
(همان: ۷۲)

مرآت معنا ما چون سایه داشت رنگی

جیب آبله:

به جیب آبله ریزم غبار صحرا را
(همان: ۲۹)

برآن سرم که ز دامن برون کشم پا را

چشم آبله:

به چشم آبله پا ندیده ای ما را
(همان: ۲۹)

چه سان به عشرت واماندگان رسی بیدل

آغوش دی:

ندارد حال ما اندیشهٔ مستقبل دیگر
که گم کردیم در آغوش دی امروز و فردا را
(همان: ۳۲)

روی نرم آب:

مشو با تندخویی از عدوی ساده دل ایمن
که آخر روی نرم آب خواهد کشت آتش را
(همان: ۱۱۹)

گلوی شیشه:

نفس دزدیدنم توفان خون در آستین دارد
گلوی شیشه‌ام با می فروبرده‌ست قلقل را
(همان: ۳۷)

طوف بال عنقا:

ز وحشت شعلۀ ما مژدهٔ خاکستری دارد
پر افشانی به طوف بال عنقا می برد ما را
(همان: ۷۹)

باغ موهوم:

نفس هر دم زدن صد صبح محشر فتنه می خندد
هوای باغ موهوم چه افسون می کند ما را
(همان: ۵۱)

کلک موج:

نفس آشفته میدارد چو گل جمعیت ما را
پریشان می نویسد کلک موج احوال دریا را
(همان: ۱۲۷)

عنان موج دریا:

دل آسودهٔ ما شور امکان در قفس دارد
گهر دزدیده است اینجا عنان موج دریا را
(همان: ۱۲۴)

صحرای عدم:

غبار ما به صحرای عدم بال دگر می زد
فضولی از کجا انداخت یا رب از کجا ما را
(همان: ۷۵)

شعله غیرت و چشم آشیان‌ها:

سلام توتیای ماست چشم آشیان‌ها را
(همان: ۷۴)

به یک پرواز خاکستر شدیم از شعله غیرت

گلشن فردوس:

خیال در پس زانوی دل نشسته ما را
(همان: ۱۲۰)

هوای گلشن فردوسی در قفس بنشاند

هجوم ناله:

برآوردند ز بالین پر شکسته ما را
(همان: ۱۲۵)

هجوم ناله نشه است در غبار ضعیفی

مرغ لاهوتی و شهباز قدسی:

شهباز قدسی و بر جیفه ای مایل چرا
(همان: ۶۵)

مرغ لاهوتی چه محبوس طبایع مانده‌ای

گلخن ناسوت:

بر کف خاکستر افسرده بندی دل چرا
(همان: ۶۵)

چشم وا کن گلخن ناسوت ماوای تو نیست

هجوم ندامتیم:

یا رب چرا چو موج به دریا زدیم پا
(همان: ۴)

عمریست طعمه خوار هجوم ندامتیم

کباب خوان جنت لذت:

قضا چندی به ذوق این غذا داد اشتها ما را
(همان: ۷۵)

کباب خوان جنت لذت خون جگر دارد

صحرای امکان:

از وطن یکباره گشتی اینقدر غافل چرا
(همان: ۶۵)

غربت صحرای امکانیت دو روزی بیش نیست

خار دامن هوس:

گل آزادگی رنگ دگر دارد بچین خود را

در این گلشن نباید خار دامن هوس بودن

(همان: ۱۲۹)

رباط کهن سوا:

زه دامن تو که می کشد که درین رباط کهن سوا درآ

نفست اگر نه فسون دمد به تعلق هوس جسد

(همان: ۸۴)

جیب ریشه:

کمال جزو دارد دستگاه معنی کل دارد

زجیب ریشه اسرار چمن گل می کند آخر

(همان: ۳۷)

پای مجنون غمت:

شیر کی خواهد جدا بیند ز ناخن چنگ را

خار شوق از پای مجنون غمت نتوان کشید

(همان: ۸۴)

محمل نازت:

که گرد می کند آینه فرنگ به صحرا

فشانند محمل نازت گل چه رنگ به صحرا

(همان: ۱۸)

جیب خاک:

ورنه رحمی نیست بر عربانی تنان شمشیر را

گر امان خواهی زگردون سر به جیب خاک دزد

(همان: ۱۰۸)

ادبگاہ نیاز:

همچو خون از زخم بیدل با لب خندان برآ

گر به شمشیرت برانند از ادبگاہ نیاز

(همان: ۲۲)

دامن حرص:

مزن به سنگ از جنون شهرت چو نام عنقا وقار خود

وداع آرایش نگیں کن ز شرم دامن حرص

(همان: ۳۵)

درآ

کن

چین

ترکیب اضافی

در این نوع ترکیب بین اجزای ترکیب، حالت اضافی وجود دارد؛ یعنی یکی از اجزای ترکیب «مضاف» و جز دیگر آن «مضاف‌الیه» است و از هم‌نشینی و کنار هم قرار گرفتن «اسم» با «اسم» و «اسم» با «صفت» شکل می‌گیرد (علی‌منش و قاسمی، ۱۳۹۰).

جز این که کلفت بیجا کشد چه سازد کس جهان المکده و آرزو نشاط آهنگ
(بیدل، ۱۳۸۷: ۳۵)

کامل ادیبان قانع یک سجده جبیند مشتاق زمین بوس بوس تشنه لب نیست
(همان: ۱۸۹)

مناقشه

کلیات بیدل به ویژه غزلیات وی با رویکردهای گوناگون توسط پژوهشگران به بررسی گرفته شده‌است و هر کدام زاویه‌های مختلف آن‌را مطالعه نموده‌اند؛ اما تا کنون پیرامون ترکیبات غزلیات بیدل کار پژوهشی به انجام نرسیده و تألیفی صورت نگرفته است. هرچند برخی محققان تحقیقاتی در مورد ترکیبات خاص در چهار عنصر بیدل و یا هم‌صور خیال و بخشی از ترکیبات را در دیوان بیدل به بررسی گرفته‌اند که با اندکی شباهت با کار ما به‌انجام رسیده‌است. اینک طی این مناقشه، تفاوت آن‌ها را با این تحقیق مورد شرح قرار می‌دهیم.

فاطمه مشایخی و دیگران در مقاله «ترکیبات خاص در غزلیات بیدل دهلوی» این محققان ترکیبات خاص را صرف نظر از ترکیبات تشبیهی، استعاری، توصیفی و نسبتی تنها به ژرف‌ساخت، روابط نحوی و هسته معنایی کلمات مرکب پرداخته‌اند و ترکیبات غزلیات بیدل را به گونه همه-جانبه و فراگیر مطالعه نموده‌اند.

«نوآوریهای تشبیه در غزلیات بیدل دهلوی» مقاله است ازغزاله ساجد و دیگران، آنان در این تحقیق تشبیهات نوآورانه غزلیات بیدل را به هدف رفع ابهامات و تصاویر سبک هندی به بررسی گرفته‌اند و ویژگی‌های برجسته ساختاری اشعار وی را توضیح نموده‌اند؛ اما در خصوص دیگر ترکیبات بیانی و صرفی اشاره نموده‌اند.

حسن بساک در مقاله «تصویرسازی‌های بدیع در غزلیات بیدل دهلوی» غزلیات بیدل را از منظر چگونه‌گی کاربرد تصویرسازی و نحوه انعکاس آنها در اشعار بیدل بررسی نموده‌است؛ مگر به انواع ترکیبات به کار رفته در غزلیات بیدل سخنی نگفته‌است.

«استعاره‌ها و کنایات بدیع، دو خصیصه مهم سبکی در غزلیات بیدل» از توحیدیان و دیگران، محققان این مقاله از میان تمام ترکیبات، تنها به بررسی کنایات و استعاره‌های غریب و ناآشنا پرداخته‌اند؛ اما دیگر ترکیبات را از نظر انداخته‌اند.

نتیجه‌گیری

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی که از نمایندگان شاخص و بنام مکتب هندی در ادبیات فارسی دری است در طی حیات خویش به آفرینش آثار گران‌بهای ادبی پرداخته و ادب فارسی را بارور ساخت. در عصر بیدل سبک هندی در هند معمول و در حال گسترش بود و شاعران و نویسندگان بسیاری آفریده‌های خویش را با توجه به ویژگی‌های همین سبک خلق می‌کردند. بیدل از جمع پیروان این سبک علاقه و دلبستگی خاص به این سبک داشت و کوشید بیشتر از هم-سنگران در رعایت مختصات این سبک پافشاری نماید و توانست سبک هندی را در مدتی کوتاهی به اوج و قلّه کمالش برساند. وی در آثار منشور و منظوم خویش به ویژه در دیوان اشعار خود تمام ویژگی‌های این سبک را رعایت نموده است. مختصات مضمون‌آفرینی و تازه‌گرایی، خیال‌بافی، باریک‌اندیشی، کشف روابط باریک میان پدیده‌ها، ترکیب‌سازی، حس‌آمیزی، متناقض‌نمایی، تمثیل و... که ویژگی‌های برجسته مکتب هندی به شمار می‌روند در سراسر کلام وی دیده می‌شود. ترکیب‌های تازه و بدیع و بی‌سابقه را با داشتن بارمعنایی و معناپا‌پذیری زینت اشعار خویش ساخته‌است که تودرجه هر خواننده را به خود جلب می‌نماید

در نتیجه این پژوهش که به هدف بررسی و تشخیص همین ترکیب‌ها با ذکر نمونه در بیش از صد غزل بیدل انجام یافته‌است چنین نتایج بدست می‌آید که بیدل در آثار خویش به ویژه غزلیات‌اش با ترکیب عناصر و واژه‌های ویژه ترکیب‌های بکر و تازه صرفی، تشبیهی، استعاری، اقترا‌نی، پارادوکسی، حس‌آمیزی و... ساخته‌است که جزء ویژگی‌های سبکی کلام او به شمار می‌رود. کاربرد چشمگیر و بسامد این نوع ترکیب‌ها از یک طرف موجب ابهام اشعار او گشته و از سوی دیگر با داشتن بار معنایی تحقیقات گسترده را در حوزه کشف زبان و ترکیبات بیدل ایجاب می‌کند.

ترکیب توصیفی، نسبتی، تشبیهی و استعاری به کار رفته در غزلیات بیدل عبارت‌اند از: خار دامن هوس، رباط کهن سرا، نفس هستی، رقص گرد باد، چاک دامن گل، پای مجنون غم، محمل ناز، ننگ وحشت، اقبال جنون، ناله خوابیده، حسرت مستور، ساز وحدت، بخت سیاه، احرام آزادی،

کلاه عرش، گلش تصویر، طاق تغافل، کوه اندوه، زنجیر جنون، عرق شرم، سنگ ملامت، نگین شهرت، دیر تاز، کعبه جو، زاغ پا، آینه گری، تحیر گلشن، تسلسل و بال، جهان رنگ و صدها ترکیب‌های بی نظیر و جدید دیگر در سراسر اشعار او دیده خواننده کنجکاو را به سوی خود می‌دوزد. تحقیقات نشان می‌دهد که بیدل در گارگاه ترکیب‌سازی خویش انواع ترکیب‌های صرفی، تشبیهی و استعاری را در مفاهیم گوناگون به کار برده است.

پیشنهاها

شاعران کلاسیک زبان فارسی دری در شعرشناسی و درک عناصر سازنده شعر دست بلندی داشته‌اند و با داشتن این مهارت و توانایی‌ها در دنیای شعر خویش دست به تنوع و ظرفت‌های عمیق و دقیقی زده‌اند. بیدل دهلوی که مانند هر شاعر ورزیده دیگر، بر رموز و اسرار شعر به خوبی واقف بود. او با داشتن توانایی فوق‌العاده و مهارت بی‌سابقه اشعار بس ظریف و ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته که الحق آینه تمام‌نمای یک شعر باصالت تلقی می‌شوند. شعر وی زمینه‌ها و عرصه‌های ناب و دست‌نخورده‌ای برای تحقیق و کندوکاوی دارد که برخی از آنها را می‌توان به شرح ذیل، برای محققان گرامی برشمرد:

۱. مطالعه سبک‌شناسانه غزلیات او بر پایه سبک‌شناسی لایه‌ای؛
۲. بررسی مؤلفه‌های روانشناسی مثبت‌نگر در اشعار بیدل بر اساس نظریه مارتین سلینگمن؛
۳. نقد و تحلیل درونمایه‌های سیاسی و اقتصادی در سروده‌های بیدل؛

منابع

- آروز، عبدالغفور (۱۳۸۷). بوطیقای بیدل، مشهد: ترانه.
- بساک، حسن (۱۳۹۳). سیر بیدل پژوهی و نگاه دوباره به برخی تازگی‌های سخن او. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، بهار ادب. ۷(۲۲۳)، ۸۷-۱۰۹.
- بساک، حسن (۱۴۰۱). تصویرسازی‌های بدیع در غزلیات بیدل دهلوی، مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، س ۱۴، ش ۴۲، ۶۳-۹۲.
- بیدل، عبدالقادر (۱۳۸۷). کلیات میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی، به کوشش فرید مرادی، تهران: انتشارات زوار.
- بیدل، ابوالمعانی عبدالقادر (۱۳۷۱). دیوان بیدل دهلوی، به تصحیح خال محمد خسته و استاد خلیلی، به اهتمام حسین آهی، تهران: ناشر فروغی.

- توحیدیان و حبشی (۱۳۹۷). استعاره‌ها و کنایات بدیع، دو خصیصه سبکی در غزلیات بیدل. مطالعات زبانی و بلاغی. ۹۰ (۱۷)، ۸۵-۱۰۶.
- جعفری، بتول (۱۳۹۴). ترکیب‌سازی‌های رنگین در غزل بیدل دهلوی. مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی. ۶۰ (۴)، ۱۳۶-۱۵۵.
- حسینی، حسن (۱۳۶۸). بیدل، سپهری و سبک هندی. تهران: انتشارات صدا و سیما.
- خدابخش و دیگران (۱۳۹۴). ترکیبات خاص اشعار صائب و بیدل بر اساس روابط نحوی و هسته معنایی ترکیب. نشر علمی-پژوهشی متن‌شناسی فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. ۲۸ (۴)، ۴۱-۶۴.
- زریر، تاج محمد (۱۳۹۶). بیدل‌شناسی. کابل: انتشارات امیری.
- ساجد، ماحوزی و دیگران (۱۳۹۹). نوآوریهای تشبیه در غزلیات بیدل دهلوی. ماهنامه تخصصی سبک-شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). ۱۳ (۶)، ۱۹۱-۲۱۲.
- سلجوقی، صلاح‌الدین (۱۳۴۳). نقد بیدل، به اهتمام عبدالله رؤفی. کابل: وزارت معارف.
- شفیعی‌کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۱). شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل). تهران: انتشارات آگاه.
- علی‌منش، ولی و قاسمی، ابراهیم (۱۳۹۰). شکل‌گیری و تکامل ساخت «ترکیبات خاص» در سبک هندی. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). ۴ (۳)، ۲۳۱-۲۴۳.
- عمر، ماه جبین (۱۳۸۷). ترکیبات خاص بیدل در چهار عنصر. دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی.
- فقیهی، حسین (۱۳۸۲). بررسی ایماژهای خیالی و نقش عنصر خیال در شعر بیدل. فصلنامه پژوهش‌های ادبی. ۱، ۱۰۶-۱۱۶.
- قلیچ‌خانی، حمید رضا (۱۳۸۹). اصطلاحات نسخه‌پردازی در دیوان بیدل دهلوی. دهلی نو: مرکز تحقیقات.
- قوم، عبدالقیوم (۱۴۰۰). بیدل‌شناسی. کابل: انتشارات امیری.
- کاظمی، محمد کاظم (۱۳۸۶). رهیافت‌های در شعر بیدل. تهران: انتشارات سوره مهر.
- مشایخی، رنجبر و دیگران (۱۳۹۷). ترکیبات خاص در غزلیات بیدل دهلوی. دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان. ۱۰ (۳۵)، ۱۷۷-۱۹۴.
- وفایی، عباسعلی (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های سبکی بیدل دهلوی. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). ۳ (۴)، ۶۹-۸۵.



Two Quarterly

Ainak Academic – Research Journal

Logar University

Journal License Date: June/ 2023



A Study of the Types of Compounds in the Ghazals of Bedil Dehlavi

Dr. Shafiqullah Shafaqat¹, Salih Mohammad Salih²

^{1,2}Department of Dari Language and Literature, Faculty of Education, Paktia

University, Paktia, Afghanistan

Email: shafiqullahshafaqat620@gmail.com

ABSTRACT

Problem Statement: Mirza Abdul Qadir Bedil of Delhi was one of the most prominent poets and a distinguished representative of the Indian Literary School in the 10th and 11th centuries AH. He experimented with various forms of poetry, but particularly excelled in composing ghazals. Due to his exceptional skill in creating compound expressions, his ghazals are rich in innovative and original combinations, reflecting his unique creativity and forming a distinctive feature of his poetic style. **Research Objective:** The primary objective of this study is to establish Bedil's stature in the field of compound formation and to answer the fundamental question: What types of compound expressions did Bedil use in his ghazals?

Research Methodology: This research analyzes Bedil's Kulliyat, focusing on one hundred selected ghazals. Relevant samples were identified and studied using library research methods and a descriptive-analytical approach. **Findings:** The study identifies and analyzes various types of compounds in Bedil's ghazals, including morphological (word-formation), figurative, simile-based, and metaphorical combinations. The results indicate that Bedil of Delhi employed a wide array of innovative and diverse compounds in his ghazals, such as khaar-e daman-e havas (thorn of desire's skirt), rebaat-e kohan-saraa (ancient caravanserai), nafas-e hasti (breath of existence), raqs-e gardbaad (dance of the whirlwind), chaak-e daaman-e gol (tear in the flower's skirt), paay-e majnun-e gham (foot of sorrow's Majnun), mahmel-e naaz (palanquin of grace), nang-e vahshat (disgrace of terror), eqbaal-e jonoon (fortune of madness), naale-ye khaabideh (suppressed wail), hasrat-e mastoor (veiled longing), saaz-e vahdat (instrument of unity), bakht-e siyaah (black fate), ehram-e aazaadi (pilgrim's garb of freedom), kalaah-e arsh (crown of the heavens), golsh-e tasveer (pictorial flower), taaq-e taghaafol (arch of indifference), kooh-e andooh (mountain of sorrow), zanjir-e jonoon (chain of madness), araq-e sharm (sweat of shame), sang-e malaamat (stone of blame), nagin-e shoharat (jewel of fame), deyr-e taaz (new temple), ka'be-jo (Kaaba-seeker), zaagh-e paa (crow-footed), aayine-gari (mirror-making), tahayyor-e golshan (bewilderment of the garden), tasalsol-e vabaal (cycle of burden), jahaan-e rang (world of color), and many others.

Keywords: Bedil of Delhi, morphological compounds, figurative compounds, Indian style, Bedil's *ghazals*

Cite this article: Shafaqat, S., & Salih, S. M. (2026). *A study of the types of compounds in the ghazals of Bedil Dehlavi*. *Ainak Two-Quarterly Academic-Research Journal*, 3(5), 121-145.

© The Authors.

Logar University
